

برخورد عقاید و تکامل پارلمانی در مجلس اول

فریدون آدمیت

نقل از : سخن

با سپاس فراوان از خانم هما ناطق که این مقاله را
در اختیار ما قرار دادند.

با وجود جستجوهای فراوان موفق به یافتن شماره و تاریخ مجله
"سخن" نشدیم.

برخورد عقاید

و تکامل پارلمانی در مجلس اول

ضمن مطالعه در سیر فکر آزادی و نهضت ملی مشروطیت مدارکی در « اداره ضبط اسناد دولتی » انگلستان و « آرشیو ملی دولت هند » بدست آمد که علاوه بر اینکه ما را به حقیقت‌های بسیاری که تا بحال پوشیده مانده آگاه میکند - درخیلی موارد آنچه را به عنوان حقیقت و واقعیت تصور میشده باطل و یا قابل تجدید نظر میسازد. از آن گذشته آن اسناد و مدارک از لحاظ تحقیق در تاریخ فکر و تحول آئین پارلمانی ایران بسیار ارزنده و درخور تعمق است. موضوع این مقاله چنانکه عنوانش می‌رساند مربوط به نخستین دوره مجلس شورای ملی است، و اسنادی که ارائه می‌گردد روشنگر تحول و تکامل شگرفی است که در مدت کوتاهی در سیمای آن رخ داده بود. در اینجا می‌بینیم مجلس در آغاز کار چقدر بی سر و سامان، زبون و ناتوان بود، و عموم و کلای مجلس مگر چند نفر تحصیل کرده فرنگ نه به نظم پارلمانی غربی آشنائی داشتند و نه به مسئولیت مدنی خود آگاه و بینا بودند. و نیز مجلس فاقد رهبری توانائی بود. چیزی نگذشت که بسیاری از نمایندگان تجربه آموختند. خاصه وقتی که رهبری مجلس به میرزا محمودخان احتشام السلطنه آن مرد کاردان و نیکخواه و مؤمن به حکومت دموکراسی و دانا به اصول پارلمانی رسید مقام مجلس را بجائی رسانید که به عقیده ناظرین نکته سنج خارجی با مترقی ترین مجالس قانونگزار اروپائی و حتی پارلمان انگلستان « قابل مقایسه » گردید. این افسانه نیست، حقیقتی است آموزنده و عبرت افزا. شرح آنرا از قول مأموران رسمی انگلیس که اتفاقاً بعضی از آنان با نهضت ملی مشروطیت سردوستی و الفتی نداشتند بشنوید.

در باره نخستین مرحله کار مجلس یعنی دوران آشفتنگی و پریشانی

شایستگی و کلاهی مجلس آن نداشت. البته این خود اجتناب ناپذیر بود چه مجلس در آغاز کار با مشکلات متعددی روبرو گردیده بود. بی‌خبری و جهالت کامل و کلاهی آن از آئین پارلمانی، احساس تزلزل و نا استواری، دسیسه‌های دشمنان چه در داخل و چه در خارج مجلس، مخالفت دولت و رقابت‌های شخصی نمایندگان مجلس جملگی دست‌به‌هم داده باعث گردیده بود که بحث‌های مجلس سراسر آشفته و حتی پراکنده باشد. همچنان مجتهدین قبل از اینکه به متابعت آیند ایجاد دشواری و گرفتاری میکردند. ناگفته نماند در موردی آقا سید محمد مجتهد [طباطبائی] سبب شد که ملازمان وی یکی از و کلاهی بیچاره را که عقایدش با او موافق نبود از مجلس بیرون اندازند... بهر حال مجتهدین به تبعیت آمدند و حالا اظهاراتشان به سیره بحث‌های پارلمانی است. در اول نه تنها نادانی و ناشیکری اکثریت نمایندگان در امور مملکتی نمایان بود بلکه جهالت آنها را نسبت به عادی‌ترین اصول سیاست مشهود میساخت. و تعصب جاهلانه بسیاری از و کلاهی از و کلاهی دل‌سردی خیر اندیشان مجلس گردیده بود. نمونه گویای این نادانی تعصب آمیز را در صحنه خنده آوری میتوان یاد کرد. یکی از و کلاهی کرمان به نام بحر العلوم صحبت رئیس مجلس را که لایحه انجمن‌های ایالتی را میخواند، قطع کرد و به اصرار خواست کلمه « موزه » و « تأثر » از متن لایحه حذف گردد زیرا موزه و تأثر مخالف احکام اسلامی و بنابراین ناپاک هستند. بر اثر آن اظهار نظرهای بیخردانه دولت نقرت - انگیز موزه و تأثر از متن لایحه حذف شد.

« به یقین مهمترین مسائل موجود که برای اهل تحقیق و سیاست هر دو قابل توجه میباشد مسئله دین و نهضت آزادی است. لازم به یاد آوری نیست که در ایران عیناً چون اروپا دموکراسی شریعت را عدوی خود میدانند و اتحاد این دو با هم اتحادی غیر طبیعی است، و زود یا دیر به پیکار سختی علیه یکدیگر برخوانند خاست.»

به دنبال آن اسماوت به بحث کلی درباره کشمکش دین با نظام دموکراسی میپردازد و در ناسازگاری احکام شریعت با مدنیت جدید به نوشته‌های « ارنست رنان » متفکر نامدار فرانسوی استناد میجوید. ضمناً اسماوت تمیز میدهد که مذهب شیعی با قبول اصل « اجتهاد » نسبت به اصول تسنن آزاد منشانه است، و اندیشه‌های نو و نیازمندیهای جهان متغیر و مرفقی را آسانتر هضم میکند. در این باره مینویسد: « در سنجش زمینه اسلام در ایران نباید فراموش کرد که مذهب شیعی آمادگی ترقی و انعطاف بیشتری دارد، و با اندازه مذهب سنی جامد و قشری نیست. اهل تسنن بطوری دست‌وپای خود را در اصول فرقه‌های

د اسپرینگه رایس^۱ وزیر مختار انگلیس در طهران به « سرادواردگری»^۲ وزیر امور خارجه می نویسد: «مجلس همچنان جلسه های خود را تشکیل میدهد ولی کار عملی سودمندی از پیش نمیبرد. دشمنان اصلی مجلس و کلای خود آن هستند که فاقد دیسپلین و نیروی عمل دسته جمعی و عاری از روح فداکاری میباشند. بنظر میرسد هر آینه مجلس به انجام کار مشخصی کامیاب نکرده ملت از آن سلب اعتماد کند. و دولت و مخالفان به این نتیجه رسند که بدون همکاری و یا تسلیم به [محمد علی] شاه هیچ عمل اصلاحی سر نخواهد گرفت.»^۳ در نامه دیگری میگوید: «گویا و کلای مجلس کار دیگری ندارند مگر اینکه ایجاد دشواری های گوناگون کنند. و علاقه ای ندارند که باری از دوش دولت بردارند.»^۴ ولی وزیر مختار در نامه قبلی تصریح به این معنی دارد: تمام ناظرین در این نکته هم رأی اند که نهضت ملی وطن پرستانه بسیار نیرومند و عامل جدید فوق العاده ای در سیاست ایران است.»^۵

در مرحله بعدی کار مجلس قوام می پذیرد، نظم پارلمانی برقرار میگردد. کمیسیون هایی بوجود می آید که مسائل در آنها حلایی میشود، و مجتهدین که در مجلس بودند و خود را تابع هیچ نظم و قاعده ای نمیدانستند به متابعت می آیند. به عبارت آخری مجلس به شیوه پارلمان واقعی در می آید که هر بیننده بیطرفی را به شگفتی تحسین آمیز و امیدارد. بینیم در این باره «والتر اسمارت»^۶ چه میگوید. او منشی سفارت انگلیس بود و در جلسه های مذاکرات مجلس بطور مرتب حاضر میگردد. سطح دانش و شعور وی نیز از مأموران متعارفی انگلیس بالاتر بوده است. اسمارت مقاله یا به اصطلاح رسمی تذکاریه ای تهیه میکند که برای «سرادواردگری» فرستاده میشود. نسخه ای از آنرا نیز در آرشیو ملی دولت هند یافتیم. نسخه اصلی خاصه از این نظر جالب توجه است که در وزارت خارجه انگلیس اظهار نظرهایی بر آن شده که خود با معنی است.^۷ این مقاله از دو مطلب اصلی بحث میکند: برخورد دو نیروی شریعت و آزادی یا احکام دینی و فلسفه دموکراسی- و دیگر تحول نظم و آئین پارلمانی در مجلس شورای ملی. اسمارت مقاله خود را با این عبارت شروع میکند:

«هیچ کس نیست که بحث های مجلس ملی را از آغاز تأسیس آن تا حال دنبال کرده باشد و از ترقی که در کیفیت آن در ظرف یکی دو ماهه اخیر صورت گرفته به حیرت نیفتاده باشد. در یکی دو ماهه اول موجودیت مجلس نااستوار بود و برای تثبیت وضع و مقام قانونی خود مبارزه میکرد. بحث های مجلس در این مدت و حتی پس از اعطای قانون اساسی حکایت از استعداد فردی و یا

د اسپرینگ راپس^۱ وزیرمختار انگلیس در طهران به «سرادوردگری»^۲ وزیر امور خارجه می نویسد: «مجلس همچنان جلسه های خود را تشکیل می دهد ولی کار عملی سودمندی از پیش نمیبرد. دشمنان اصلی مجلس وکلای خود آن هستند که فاقد دیسپلین و نیروی عمل دسته جمعی و عاری از روح فداکاری میباشند. بنظر میرسد هر آینه مجلس به انجام کار مشخصی کامیاب نگردد ملت از آن سلب اعتماد کند. و دولت و مخالفان به این نتیجه رسند که بدون همکاری و یا تسلیم به [محمد علی] شاه هیچ عمل اصلاحی سر نخواهد گرفت. «۳ در نامه دیگری میگوید: «گویا وکلای مجلس کار دیگری ندارند مگر اینکه ایجاد دشواری های گوناگون کنند. و علاقهای ندارند که باری از دوش دولت بردارند. «۴ ولی وزیرمختار در نامه قبلی تصریح به این معنی دارد: تمام ناظرین در این نکته هم رأی اند که نهضت ملی وطن پرستانه بسیار نیرومند و عامل جدید فوق العاده ای در سیاست ایران است.»^۵

در مرحله بعدی کارمجلس قوام می پذیرد، نظم پارلمانی برقرار میگردد. کمیسیون هائی بوجود می آید که مسائل در آنها حلای می شود، و مجتهدین که در مجلس بودند و خود را تابع هیچ نظم و قاعده ای نمیدانستند به متابعت می آیند. به عبارت آخری مجلس به شیوه پارلمان واقعی در می آید که هر بیننده بیطرفی را به شکفتی تحسین آمیز و امیدارد. ببینیم در این باره «والتر اسمارت»^۶ چه میگوید. او منشی سفارت انگلیس بود و در جلسه های مذاکرات مجلس بطور مترتب حاضر میگردد. سطح دانش و شعور وی نیز از مأموران متعارفی انگلیس بالاتر بوده است. اسمارت مقاله یا به اصطلاح رسمی تذکاره ای تهیه میکند که برای «سرادوردگری» فرستاده میشود. نسخه ای از آنرا نیز در آرشیو ملی دولت هند یافتیم. نسخه اصلی خاصه از این نظر جالب توجه است که در وزارت خارجه انگلیس اظهار نظر هائی بر آن شده که خود با معنی است. «۷ این مقاله از دو مطلب اصلی بحث میکند: برخورد و نیروی شریعت و آزادی یا احکام دینی و فلسفه دموکراسی. و دیگر تحول نظم و آئین پارلمانی در مجلس شورای ملی. اسمارت مقاله خود را با این عبارت شروع میکند:

«هیچ کس نیست که بحث های مجلس ملی را از آغاز تأسیس آن تا حال دنبال کرده باشد و از ترقی که در کیفیت آن در ظرف یکی دو ماهه اخیر صورت گرفته به حیرت نیفتاده باشد. در یکی دو ماهه اول موجودیت مجلس نااستوار بود و برای تثبیت وضع و مقام قانونی خود مبارزه میکرد. بحث های مجلس در این مدت و حتی پس از اعطای قانون اساسی حکایت از استعداد فردی و یا

چهار گانه خود بسته اند که تمام مسائل قابل بحث را برای ابد بطور مطلق قطع کرده اند و سرچشمه تفکر را خشک کننده. حاصل آن رکود و سکون معنوی است که بر سراسر کشورهای سنی استیلا یافته است. اما وضع ایران چنین نیست. در اینجا اجتهاد وجود دارد که در راه برای تغییرات آینده و امکان تمدیلات باز نگاه داشته...

سپس در باره جدال ملایان با روشنفکران میگوید: «طبقه روحانیون خوب آگاهند که مخالفان آنها چه در سردارند و نسبت به خطری که موجودیت آنان را تهدید میکند حساس اند اما به دامی افتاده اند که فرار از آن خوفناک و بلکه نا میسر است. سید محمد مجتهد [طباطبائی] که بالنسبه روشن بین و نمونه مجتهد غیر عادی پا کد امنی است اغلب چیز هائی میگوید که اندیشناکی طبقه روحانیون را نسبت به آینده میسراند. وقتی که موضوع محاکم عدلیسه بمیان بود او در مصلحت تأسیس آنها اظهار تردید کرد و به نیشخند گفت با احداث اینگونه محاکم دیگر چه کاری باقی میماند که به ملایان سپرده شود. همین است که روحانیون برای حفظ حقوق خود با کوشش های پیاپی خود مجلس را وادار کردند ماده ای در قانون اساسی گنجانده شود که طرح تمام قوانین باید قبلاً به کمیسیون مرکب از پنج نفر از مجتهدین ارجاع گردد تا مبادا مندرجات آنها با احکام شریعت ناسازگار باشد.» در اینجا اسمارت خلاصه ای از نطق بسیار زیرکانه و با مفرز مرحوم میرزا فضلعلی آقا را در بحث مربوط به احکام شرعی و عرفی و قوانین موضوعه در حکومت مشروطه و مخالفت های دلیرانه او را با تأسیس کمیسیون پنج نفری علماء نقل کرده میگوید مبارزه دو عنصر روشنفکر و محافظه کار همچنان ادامه خواهد داشت.

پیش بینی دقیق و قضاوتی که اسمارت در پایان مقاله خود میکند فهم و بینش و سنجش او را میسراند. ترجمه آن آورده میشود:

«کیفیهائی که از قدرت مجلس خارج است ممکن است سبب سقوط موقتی مجلس گردد. و اختلافات داخلی، خیانت ها یا حتی خطا و بی تدبیریهای مجلس ممکن است به انحلال آن انجامد. اما این حقیقت بجای خود محفوظ است که مجلس ملی آن نیست که کسی بر اثر قضاوت های بداند بشانه خارجی آنرا دستگاهی خوار و پست بشمرد. وضع مذاکرات مجلس پیشرفت بسیار کرده، حسن مسئولیت و حیثیت تازه ای در میان نمایندگان مشهود افتاده است. از لحاظ انتظام عمومی مجلس ملی ایران از اکثر پارلمانهای اروپا بالاتر است و حتی از این نظر با مادر پارلمان های دنیا قابل مقایسه میباشد. هر کس در این باره شبهه ای دارد مباحثات مجلس را که به عزل وزیر جنگ انجامید بخواند...»

مجلس پس از مذاکرات سنگین و محترمانه ای به اکثریت تام عمومی شاه [کامران میرزا نایب السلطنه] را برکنار ساخت و به آرامی دنبال دستور جلسه را گرفت. چه فرق فاحشی است میان حالا و صحنه متشوش و آشفته سابق که مجلس به انفسال مسیونوز^۱ رأی داد! تردیدی نیست که نادانی و بی تجربگی-هائی در مجلس دیده میشود که میتواند موضوع خنده قرار گیرد. و هنوز این عیب وجود دارد که مذاکرات به مرحله قاطع و نهائی نمیرسد و نیز در حین مذاکرات پرت و پلاهای خارج از موضوع گفته میشود. اما کارهای عملی در کمیسیون ها انجام میپذیرد که در صورت جلسه ها منعکس نیست. و هر روز و کلا بیشتر تجربه میآموزند. . . به علاوه از خاطر نباید دور داشت که تمام این پیشرفتها علی رغم مخالفت مصمم دولت و دشمنی منافع اجنبی و وضع بسیار ناگوار مالی مملکت تحقق یافته است. از اینرو بنظر میرسد کوشش های فعلی مجلس سزاوار است مورد حسن توجه قرار گیرد. ثمره آنی آن تلاشها هر چه باشد در این تردید نیست که در اخلاقیات و حیثیت ملی ایرانیان اثر پایدار خواهد بخشید.»

مقاله اسمارت را در وزارت امور خارجه انگلیس خواندند و سه اظهار نظر بر آن نوشته شده که خود شنیدنی است. اظهار نظر اول از کسی است که امضایش لایق را بود ولی مسلماً دانا و مطلع بوده است. مینویسد: «اکثریت زیاد ایرانیان نسبت به احکام اسلامی بی اعتنا و نا مقید هستند و گرایش معنوی آنان به تصوف و فلسفه نظری است نه تمصب روحانی. با در نظر گرفتن اینکه پس از هزارها سال استبداد در ایران نخستین تجربه حکومت پارلمانی میباشد ترقی و کار مجلس حقیقتاً مایه سرفرازی است و بخوبی با پارلمان عثمانی که نمایندگان آن به مراتب وسایل بیشتری در مطالعه آئین پارلمانی اروپا داشته اند قابل مقایسه میباشد.»

اظهار نظر دوم را کسی کرده که اسم مخفف خود را C.K. یادداشت نموده مینویسد: «ترقی شگرفی است که هیچکس حتی کسانی که در ایران بوده اند چنین انتظاری را نداشتند. این بهترین آرزوی ماست و شایستگی تشویق و ترغیب دارد.»

اظهار نظر سوم را سرادوردگری وزیر خارجه کرده و با مرکب قرمز این عبارت را نوشته است: «گزارش بسیار عالی است و از روی صلاحیت و دانائی تهیه گردیده، بهمین جهت قابل توجه است.»

اسمارت در مقاله خود جنبه های قوت و ضعف مجلس را سنجیده و واقع-بینانه حقایقی را بیان میکند. پیش بینی او در مرحله بعدی کار مجلس درست

درآمد. عواملی که از حیطة قدرت مجلس خارج بود با خطاهای تدبیری‌های خود مجلس توأم گردید و سرانجام آثار پراگانداخت.

تحول و ترقی پارلمانی دوره اول مجلس بیش از همه مدیون خدمات ارجمند و شخصیت میرزا محمود خان احتشام السلطنه است. تالی او در چند دوره بعد تنها میرزا حسین خان مؤتمن‌الملک میباشد. هر دو از مردان ستوده و استواراند، و در میان اهل سیاست ایران کم نظیر. (اتفاقاً ریاست مجلس هر دو به یک‌سرنوشت دچار گردید.) در میان نمایندگان مجلس اول احتشام - السلطنه از لحاظ مایه فکری و آشنائی به فلسفه حکومت و پارلمان غربی بطور مطلق برتر از دیگران بود. وزیر مختار انگلیس مینوید میرزا علی اصغر خان اتا بک وی را « برای کمک به اودر راه رفورم و اصلاح مملکت » از کمیسیون سرحدی ایران و عثمانی خواست. اما شبی به طهران رسید که اتا بک را کشتند.^{۱۰} احتشام - السلطنه مصمم است بماند و خود را وقف کارهایی که باید انجام پذیرد و آزادی ملت ایران را بکند. به یقین مرد دلیر و با تصمیمی است و رهبری اودر مجلس عامل مهمی در اوضاع و احوال کنونی خواهد بود و خدمت بزرگی به پیشرفت کار مجلس خواهد نمود. «^{۱۱} میرزا ملکم خان نیز به وی اعتقاد فراوان داشت. ضمن نامه تهنیت آمیزی که به مناسبت انتخاب احتشام السلطنه به ریاست مجلس مینوید میگوید: « علی العجالة درد مهلك اینست که این مجلس و کلای ملی که میبایستی ضامن بقای ایران باشد بهیچوجه كوگ نیست. فریضه آن مهندس فوری که در وجود عالی سراغ داشتم اینست که اول بلا اول این دستگاه و این چرخ را به حکم اصول مقررہ كوگ بکنید. یقین جنتا بعالی بهتر از من معتقد هستید که تا این کارخانه اصلی موافق قاعده كوگ و منظم نشود، بجز خرابیهای تازه حاصل نخواهد داشت. بنا بر این عقیده برای انتظام این دستگاه بعرض مشروح و نکات دقیق نوشته بودم که پیش رئیس سابق مجلس بفرستم. خبر [انتخاب] حضرتعالی کتا بچه مرایی لزوم ساخت،^{۱۲}»

احتشام السلطنه در دوران ریاست مجلس خود را کاملاً توانا و برجسته نشان داد. در برابر زیاده رویهای روحانیون و روش تندروان افراطی سخت ایستاد. ملایان را مرتجع و تندروان را ویران کننده رژیم نو بنیان مشروطیت میخواند. جلو هر دو را گرفت و همچنین بازور گوئیهای محمد علی شاه مقابله کرد و نگذاشت کار مجلس به رسوائی کشد. کارهای بزرگی که مجلس اول از پیش برد مثل تدوین متمم قانون اساسی، تنظیم بودجه مملکتی، تقلیل حقوق محمد علی شاه و پسران شاه، و تصویب قانون انطباعات همه در زمان ریاست وی انجام گرفت. چارلز مارلینگک^{۱۳} وزیر مختار بعدی انگلیس مینوید:

و پشتیبانی جدی احتشام السلطنه از اصول مشروطیت سبب حمایت ملی از او گردیده است... آئین کمیسیونهای پارلمانی را وی در مجلس برپا کرد تا هر کمیسیتی نسبت به امور شعبه‌ای از دستگاه اجرائیه نظارت کند. همچنین تمیز داد با وضعی که مجلس داشت کاری از پیش نمی‌رود... به امتیازات ملایان سخت حمله برد و بهمین جهت مورد عناد و دشمنی آنان قرار گرفت. در میان تمام کسانی که در جریان امور مجلس سهمی دارند احتشام السلطنه پیش از همه خصوصیات و مقام سیاستمدار عالیمقداری را حائز است... پاکدامنی و درستی او تا جائی که میدانم مورد تردید نبوده و این در ایران خود حقیقت نادری است.^{۱۴}

اوضاع بعدی مجلس از موضوع این مقاله خارج است. همیشه در باید گفته شود که بر اثر شیوه‌ای که ملایان و تندروان افراطی پیش گرفتند احتشام السلطنه مجبور به استعفاء گردید و پس از وی کار مجلس به تنهایی کشید. عوامل دیگری نیز در کار بود که به برانداختن مجلس انجامید. پیش بینی اسماوت درست درآمد ولی ارزیابی او از کارنامه دوره اول مجلس جواب دندان شکنی است به بداندیشان بیگانه و بیخردان خودی که میگویند مشروطیت ایران ساختگی و صرفاً ساخته و پرداخته اجنبی بود و دیگر اینکه ایران شایستگی حکومت پارلمانی را نداشت زیرا قاطبه مردم نادان و ناآشنا به مبانی آزادی و فلسفه دموکراسی بود. در جهل عامه مردم ایران نسبت به اصول حکومت انتخابی تردید نیست اما هر کس در تاریخ نهضت های فکری و ملی جهان بیندیشد به این معنی بر میخورد که حتی در انقلاب قرن هفدهم انگلیس، و یا انقلاب بزرگ فرانسه که به دنبال عصر تعقل و برپاگردید عامه ملت انگلیس و فرانسه در نادانی بسر میبرد و از شعور سیاسی که شایسته حکومت دموکراسی باشد چندان بهره‌ای نداشت و تنها گروه قلیلی بودند که در زمره مردم بیدار دل و روشن بین بشمار می‌رفتند^{۱۵}. اما جان کلام در اینست که در آن کشورها (و در دیگر سرزمین‌هایی که در قرن نوزدهم تحت تأثیر اندیشه‌های بلند دانایان فرانسوی نهضت آزادیخواهی بوجود آمد) شعارهای آزادی و دموکراسی بود که نیروی تحریک داشت و بنیان هیأت اجتماع را تکان داد و جمهور مردم را برانگیخت. و دیگر اینکه جنبشهای ملی در آن کشورها از رهبری مردمی با ایمان و استوار و صاحب استقلال رأی برخوردار بود. در زمان خود ما کشور هند را می‌بینیم که بیش از هفتاد درصد نفوس آن نه تنها بیسواد هستند بلکه از جمله متعصب ترین و نادان ترین و خرافاتی ترین مردم دنیا بشمار می‌روند. و سخنان بعضی از نمایندگان آنرا که در پارلمان هند شنیدم از لحاظ سخافت

رأی دست کمی از گفته‌های بحرالمالوم در مجلس اول خود ما نداشت. مع هذا در سرزمین هند با همین کیفیات آن نظم دموکراسی نسبه درستی برقرار است و قانون فرمائروا. اگر مجلس اول ایران ویران گشت برای آن نبود که حکومت مشروطه زبینه ملت ایران نبود یا توده مردم مفهوم درست دموکراسی را نمیدانستند، بلکه از آن جهت مجلس بر افتاد که از لحاظ داخلی در هیأت رهبری آن خلل و سستی راه یافت و کار به دست مردمی عوام فریب و ابن الوقت افتاد. و از لحاظ خارجی عامل دسیسه و تحریک در بر انداختن آن هیچ کوتاهی نکرد. سر نوشت مجلس اول زاده این دو عامل اصلی بود.

فریدن آدمیت

- ۱ - Spring - Rice
- ۲ - Sir Edward Grey
- ۳ - اسناد وزارت خارجه انگلیس، مجلد ۳۰۴/۳۷۱، نامه ۱۵ اوت ۱۹۰۷
- ۴ - ایضاً، مجلد ۳۰۱/۳۷۱، نامه ۳۰ ژانویه ۱۹۰۷
- ۵ - ایضاً، مجلد ۳۰۴/۳۷۱، نامه ۱۵ اوت ۱۹۰۷
- ۶ - Walter Smart
- ۷ - اسناد وزارت خارجه انگلیس، مجلد شماره ۳۰۱/۳۷۱
- ۸ - مقصود پارلمان انگلستان است.
- ۹ - Naus بلژیکی متصدی گمرکات ایران.
- ۱۰ - اسناد متعدد وزارت خارجه انگلیس به صراحت تأیید میکنند که نیت انابک همراهی با آزادی خواهان و پشتیبانی از نهضت مشروطیت بوده، و بطلان این تهمت ثابت میشود که قصد بر انداختن مجلس را داشته است. این مقوله بحث جداگانه‌ای دارد.
- ۱۱ - اسناد وزارت خارجه انگلیس، مجلد ۳۰۴/۳۷۱، نامه اسپرینگ ریس به گری، ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷.
- ۱۲ - نگاه کنید به فکر آزادی، تألیف نگارنده، صفحات ۲۳۷-۲۳۶
- ۱۳ - Charles Maring
- ۱۴ - اسناد وزارت خارجه انگلیس، مجلد ۴۰۹/۳۷۱، نامه مارلینگ به گری، ۳۰ ژانویه ۱۹۰۸.
- ۱۵ - مراجعه شود به دو کتاب ذیل:
Ch. Hill, Intellectual Origins of the English Revolution.
R. Palmer, The Age of the Democratic Revolution.